

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد / بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین - دوم مارچ 2012

تَهْجُمِ فَرْهَنْگِ اِیْران از تَهْجُمِ خَزَنْدِه تا تَهْجُمِ گَزَنْدِه

(قسمت اول)

پیش از پرداختن به موضوع باید بصراحت تام اعلام کنم که این نوشته و نوشته های همقماش آن نه بخاطر ضدیت با مردم ایران و برادران ایرانی ما صورت میگیرد و نه بخاطر مخالفت با زبان فارسی ایران!!! این نوشته و امثالش فقط و فقط بر استقلال نحوه "زبان دری" افغانستان تأکید دارد، و تأکید دارد که افغانان باید حافظ و حارس و نگهبان و نگهدار دری خویش باشند؛ همان گونه که از دیگر شئون فرهنگی و ملی خود حراست و حفاظت و نگهداری و نگهبانی میکنند!!! در بدو بحث لازم می افتد که در مورد نفس لغت "تهاجم" گپ زده شود، که در دو معنای متفاوت به کار میرود:

- "تهاجم" مصدر باب "تفاعل" عربی ست(1). در بسا مصادر باب تفاعل - و نه در تمام آنها - "مُشَارَكَة فِعْل بَیْن جَنْدِ جَانِب" مطرح است؛ مثلاً "تقابل" - در قبال هم قرار گرفتن؛ "تضاد" - باهم ضدیت ورزیدن؛ "تجاهل" - یکدیگر را به ناهمی یا بی خبری انداختن؛ "تظاهر" - از یکدیگر پشتیبانی کردن - باهم ظاهرسازی کردن؛ "تبادل" - باهم رد و بدل کردن؛ "تناقض" - ضد و نقیض هم بودن؛ "تنافر" - از یکدیگر نفرت داشتن؛ "تمايز" - باهم فرق داشتن؛ "تعاقب" - همدگر را تعقیب کردن؛ "تفاخر" - بر یکدیگر فخر فروختن. به همین حساب کلمه "تهاجم" در اصل عربی خود، در معنای "بر یکدیگر هجوم آوردن" یا "هجوم دوطرفه" و یا "هجوم متقابل" است. - این کلمه مگر در اصطلاح دری/فارسی و پشتو در معنای کاملاً متفاوت بکار میرود. باید گفت که مصادر "تهاجم" و "تدافع" در زمانه ما ابتداءً در زمره اصطلاحات عسکری به کار رفته اند؛ "تهاجم" در معنای "هجوم گسترده و همه جانبه" و "تدافع" در معنای "دفاع همه جانبه".

در زبان عام دری/فارسی هم وقتی از کلمه "تهاجم" سخن رود، معمولاً منظور از مفهوم اصطلاحی آن؛ یعنی "هجوم و حمله گسترده" است، نه مفهوم اصلی آن. درین مقاله هم که گرد کلمه "تهاجم" میچرخد، مراد از مفهوم اصطلاحی آن یعنی "هجوم وسیع" است، که با اصل عربییش سر نمیخورد.

نکته دوم که باید مد نظر گرفته شود، اینست که باید فرقه‌های بسیار و بارزی را بین "دری ما" و "فارسی ایران" قائل گردیم، در غیر آن سخن گفتن از "تهاجم فارسی ایران بر دری افغانستان"، حدیثی عبث، لغو و بی‌هده خواهد بود. در سطور بعدی بر تفاوت‌هایی که بین دری افغانستان و فارسی ایران موجود است، نسبتاً به تفصیل گپ زده خواهد شد.

سخن بر سر تهاجم فرهنگی است و بدرجه اول تهاجمی که از جانب ایران بر دری افغانستان عملی می‌گردد. ولی در اول میسزد و بسیار لازم است که ذکر خیری از ایرانیان دانشمند و سختکوش نمایم که در عرصه تألیف و ترجمه و پرورش زبان و ادبیات فارسی بسیار زیاد کار کرده اند، در حدی که ما افغانان نیز - خصوصاً در چند دهه اخیر - از خوان گسترده و حاصل دسترنج ایشان استفاده‌های وسیع و بلیغ کرده ایم. من شخصاً متواضعانه مدیون آثار بی شماری میباشم که از عرق جبین و کدّ یمین ایرانیان بافرهنگ و دانشور تراویده اند و در دسترس ما نیز قرار دارند. مبرهن است که وقتی کسی اثری را خلق، تألیف، تدوین یا ترجمه میکند، میخواید اثرش به مردم برسد و هر قدر طیف گیرندگان وسیعتر باشد، به همان اندازه به نفع خالق و مؤلف و مؤدّن و مترجم این آثار و مطابق میل ایشان میباشد.

اما؛ برسمیت شناختن و تقدیر خدمات ایرانیان فرهنگپژوه و مشتاق علم و ادب معنای این را ندارد که هر آنچه را ایشان بگویند، از هر رهگذر قبول نمایم؛ خصوصاً که در صدد کاپی کردن و تقلید "مشخصات لفظی" فارسی ایران برآئیم!!!! البته این نکته متوجه هر اثر دیگر هم هست، از هر زبانی و از هر جایی که برخاسته و در هر مورد و موضوعی که نوشته و تدوین شده باشد!!!!

وقتی از "تهاجم فرهنگی ایران" سخن می‌گویم، نکات آتی مد نظر من است:

1 - دستبرد بر تاریخ منطقه و خصوصاً تاریخ افغانستان و تاراج مفاخر تاریخی وطن عزیز ما، که از دهه‌ها پیش و از زمان زمامداری خاندان پهلوی آغاز گردیده و در دوره مکدر و سوگوار جمهوری فاشیستی اسلامی بدون وقفه و بی امان ادامه دارد.

2 - ترویج بدعت‌های شنیع و قبیح مذهبی - خصوصاً:

- ترویج شیوه خاص مراسم "عاشورای حسینی"؛ از قبیل سینه زنی و زنجیرزنی و قمه زنی و سیاهپوشسازی منازل و معابر و موترها و ...

- ترویج "فحشای رسمی" بنام "صیغه"

- ترویج حجاب سیاه و سوگوار باصطلاح اسلامی که از پا تا سرش ماتم میبارد

و

با تأسف که مهاجرت و پناه گزیدن ملیونها افغان دربر و خانه خراب در ایران این پروسه را سرعت، وسعت و شدت بیشتر بخشیده است. مقاله بنده معنون به "یکهزار و چارصد سال گریه" (2) در زمینه بدعت‌های عاشورا اندک روشنائی می اندازد.

3 - تهاجم بر زبان دری افغانستان که در رسته اول مورد بحث این مقاله قرار دارد و در ذیل بدان به تفصیل میپردازیم:

در عنوان مقاله از دو تهاجم سخن گفته شد، که اولی در واقعیت امر تمهید و مقدمه چینی دومی بوده است:

- تهاجم غیر فعال و بالقوه که در طول سالیان و دهه های متمادی از طریق آثار مطبوع ایرانی در هیئت و کسوت "غیر مستقیم" و "غیر ملموس" صورت گرفته است و من آن را "تهاجم خزنده" مینامم، چون سخت به مرحله "اغفال کردن" شباهت دارد.

- مرحله فعال، بالفعل، چارنعل و شتابان این تهاجم است که مستقیماً از طریق مؤسسات تعلیمی - تحصیلی و وسائل ارتباط جمعی افغانی - به شمول جرائد، رادیو، تلویزیون و انترنت - از طریق و به کمک عمال، پروردگان، معاشخوران و خدائی خدمتگاران جمهوری اسلامی ایران عملی میشود. این نوع تهاجم را "تهاجم گزنده" نامگذاری میکنم، چون اقشار وسیع مردم ما مستقیماً در تیررس گزند این تهاجم قرار گرفته اند و میگیرند.

در حالی که تهاجم اولی به قشر باسواد، تعلیمیافته و کتابخوان ما منحصر میگردد و ساحه تأثیر و تخریبش باریک و بسیار محدود بود، تهاجم دومی تمام مردم افغانستان را رویاروی و بی امان هدف گرفته است.

تسمیه "تهاجم خزنده" و بعد "تهاجم گزنده" با الهام از طبیعت وحشی و آزاد شکارگاه انتخاب شده است، که ضمن آن حیوانی درنده صید کردن را از مرحله "کشیک دادن" و "خزیدن" و "اغفال" شروع کرده و در وهله حساس و وقتی که میدان را به اصطلاح شغالی یافت، شتابان به "گزیدن" طعمه روی می آورد!!!

تفاوتهای زبان دری افغانستان و فارسی ایران

باید گفت که زبان دری و فارسی یک زبان است و اصل هم "زبان دری" میباشد که حدوداً دو هزار سال پیش در شمال افغانستان رونق گرفت. این زبان در افغانستان رسماً و قانوناً به لسان "دری" و در ایران رسماً و قانوناً به نام زبان "فارسی" یاد میگردد. معلوم و کاملاً طبیعی ست که عین زبان در دو محیط از هر نگاه مختلف در طول سالیان و قرون متمادی، نشو و نمای کاملاً متفاوت داشته، تا اینکه در هیئت متمایز و متفارق امروزی درآمده است.

باید گفت، که استخوانبندی "دری افغانستان" از بسا جهات به اساسات متمکن و اصیل خود باوفا مانده، در حالی که "فارسی ایران" دستخوش تحولات وسیع و بعضاً حتی ابتذالات غیر قابل انکار گردیده است. برین نمط دانشمندان بانصاف و واقعبین کشور ایران نیز، اتفاق قول دارند. و وقتی چنین است، چه سبکسرانه است، که "یوسف مصری" خود را به "زر ناسره" بفروشیم(3)!!!:

بعض کسان کاملاً سطحینگرانه و یا از روی "خیره سری محض" گویند:

« فارسی فارسی ست هر جایی که باشد، همان قسمی که انگلیسی انگلیسی ست در هر جا که باشد.»

من این سخن کلی و سرپوشیده و بسان "خربوزه نأبرید" را فقط "مشروط" میپذیرم؛ یعنی با مد نظر گرفتن تفاوتها و تمایزات مشهودی که در محیطهای کاملاً مختلف و متفاوت بر زبان دری وارد گردیده است!!!! به نکوئی میدانیم که هر لسان از سه دستگاه ساخته شده است:

– دستگاه گرامری یا دستوری که شامل صرف و نحو است

– دستگاه صوتی یا جهاز فونتیک

– دستگاه یا جهاز لغوی

به برداشت من – طوری که بعداً خواهیم دید – تفاوتهای بین دری افغانستان و فارسی ایران در هر سه دستگاه زبان دیده میشود. البته بارزترین و بزرگترین تفاوت در دستگاه لغوی یا "مجموعه لغات و کلمات" است که در زبان دری ما و فارسی ایران استعمال میگردند. بررسی این کمینه اجازه میدهد بگویم که تفاوتهای بین دری و فارسی کم از کم و باصطلاح شیرین عامیانه کابلی "گمش" در حد تفاوتی است که بین انگلیسی انگلستان و انگلیسی اتازونی سراغ داریم. و بد نیست که تفاوت دو انگلیسی را از زبان دو نویسنده و شاعر شهیر و زبردست آیرلندی بشنویم: آسکار وایلد (4) گوید:

« انگلیسها و امریکائیان در واقع همه چیز مشترک دارند، البته به استثنای زبان. »

و جارج برنارد شا (5) نویسد:

« انگلستان و امریکا دو مملکتی است که از طریق عین زبان از هم متمایز میگردند. »

اگر هر دو گفته را بحیث "طنز" و "خوشطبعی" و هم قبول کنیم، تفاوت بارز این دو انگلیسی از آنها به مشام میرسد!!! و در واقعیت امر چنین تفاوتی در سطوح مختلف – به شمول دستگاه گرامری، دستگاه لغوی و املائی و دستگاه فونتیک و تلفظی – این دو انگلیسی وجود هم دارد. و برویم بسراغ زبان خود ما "دری" و مقایسه اش با "فارسی ایران": قبلاً گفته شد که زبان متشکل است از جهازات ثلاثه دستوری، صوتی و لغوی:

مطالعات دوامدار و مقایسوی من اجازه میدهد بصراحت بگویم که تفاوتهای بین دری افغانستان و فارسی ایران در تمام سطوح دیده میشود. بارزترین تفاوت مگر در مجموعه لغات و کلماتی است که در دری افغانستان و فارسی ایران تداول دارند، از همین خاطر منتقدان فکر کرده اند، که دری افغانستان و فارسی ایران را فقط و فقط مجموعه لغات و کلمات متداول هر یک متمایز و متفارق میسازد!!!! در سطور آتی به برخی ازین تفاوتها اشاره میکنم:

از خلال مقالات نهمار مستقل و مقالات بی شماری که ضمن سلسله های مختلف در پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" – و قبل از آن، قسماً در وبسایتهای دیگر – نشر کرده ام و در آرشیفهای چندگانه پورتال موجودند، میتوان یک منظر اجمالی و بمانند "مشتی نمونه خروار" از موضوع بدست آورد؛ درینجا در چوکات محدود و موجز به نکاتی چند و معدود اشاره میروم. گرچه در اول مقاله اشاره ای رفت، اما میخواهم با تأکید مجدد و هرچه تمامتر بگویم که حراست از ارزشهای زبانی و نگهداری نحوه خاص دری افغانستان، نه معنای مخالفت با مردم ایران را دارد و نه مخالفت با فارسی ایران را!!!! کشور ایران از ایرانیان است و زبان فارسی ایران هم مال

خودشان، همان قسمی که وطن عزیز ما افغانستان مایملک افغانان است و نگهداشت دری و پشتوی افغانی هم وظیفه افغانان بااحساس، وطندوست، دلسوز، بافرهنگ و فرهنگپرور.

(ادامه دارد)

توضیحات:

- 1 - جهت کسب معلومات مزید صرفی در مورد ابواب ثلاثی مزید فیه، رجوع گردد به بخش پنجم «بختی از صرف عربی» - ابواب ثلاثی مزید فیه» - مؤرخ 26 اکتوبر 2010 - در آرشیف بنده و آرشیف مقالات "ادبی - فرهنگی" در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان".
- 2 - این مقاله در صفحه مؤرخ ... پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نشر گردیده و در آرشیفهای مختلف پورتال - از جمله آرشیف خلیل معروفی - قابل دسترس است.
- 3 - این جمله اقتباس از بیت معروف ذیل است:

یوسف خـود به زر ناسره بفروخته ایم

دل ما خوش که درین قافله سودا کردیم!!!

- 4 - اصل جمله آسکار وایلد Oscar Wilde :

The English have really everything in common with Americans, except of course, language.

- 5 - اصل گفته جارج برنارد شا George Bernad Shaw :

England and America are two countries separated by the same language.